



تحلیل سازه انگارانه دیپلماسی رسانه‌ای صدا و سیما ج.ا.ا.
برای تحقق منافع ملی در دوران پسابرجام
رضا شکری رفسنجانی^۱، گلناز امجدی^۲، احسان کریمی میبدی^۳

۳۷

دوره ۱۴، شماره ۲، پیاپی ۳۷
تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۶/۲۲
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۶/۲۹

صص: ۱۳۳-۱۰۵

شابا چاپی: ۵۵۸۰-۲۲۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی
JOURNALS.MSRT.IR

DOR: 20.1001.1.23225580.1403.14.2.5.6

چکیده

با توجه به نظریه سازه انگاری، رسانه های یک کشور، در شکل دادن، تغییر یا تداوم بخشیدن به ساختار معنایی هویت یک کشور در نظام بین الملل نقش بسیار مهمی دارند. همه کشورهای جهان در عصر ارتباطات و اطلاعات، برای بیان دیدگاه های خود، جلوگیری از تعارضات بین المللی، پیشبرد اهداف و دستیابی به منافع ملی خود، ناگزیر به استفاده از دیپلماسی رسانه ای هستند؛ صداوسیما جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان بزرگترین سازمان رسانه ای کشور، نقشی اساسی در دیپلماسی رسانه ای ج.ا.ا و جلب حمایت افکار عمومی داخلی، منطقه ای و فرامنطقه ای دارد. روش تحقیق مقاله حاضر به لحاظ هدف کاربردی و ماهیت تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و به این موضوع می پردازد که شبکه های برون مرزی صداوسیما چگونه می توانند منافع ملی ج.ا.ا را در دوران پسابرجام افزایش دهند و نقش آنها در تقویت و تثبیت این دیپلماسی چیست؟ چهارچوب نظری و الگوی تحلیل این پژوهش، نظریه سازه انگاری است. بر اساس یافته های این پژوهش، چنانچه جهاد تبیین به صورت صحیح و اصولی انجام گیرد با فهم دقیق هنجارهای بین المللی، سازمان های بین المللی و هویت صلح طلب نظام ج.ا.ا (افتتاح افقی، عمودی، تکوینی) هیچگاه دوگانه ی منافع ملی و منافع ایدئولوژیک در ج.ا.ا تولید نخواهد شد و شبکه های برون مرزی رسانه ملی می توانند با ارائه ی تصویری مثبت از ج.ا.ا در عرصه جهانی، ضمن کاهش موج ایرانهراسی در سطح افکار عمومی دنیا، هزینه های خروج از برجام را برای کشورهای عضو برجام افزایش دهند.

کلیدواژه ها: دیپلماسی رسانه ای، صداوسیما، منافع ملی، سازه انگاری، برجام.

۱. دانش آموخته دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی رفسنجان، رفسنجان، ایران. (نویسنده مسئول)
reza.shokri2112@yahoo.com

۲. دانش آموخته دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی رفسنجان، رفسنجان، ایران

۳. دانش آموخته دکتری مدیریت رسانه دانشگاه آزاد اسلامی یزد، یزد، ایران

۱- مقدمه

منافع ملی یک مفهوم اساسی در سیاست خارجی است و هر فعالیتی که کشورهای مختلف در روابط بین الملل انجام می دهند در جهت تامین و حفظ منافع ملی است. در قرن ۲۱ هر کشوری که بتواند از ابزار رسانه ای قوی تری برای متقاعدسازی دیگران استفاده کند بهتر می تواند به ایجاد و حفظ یک تصویر مطلوب بین المللی و منافع ملی خود در جامعه جهانی دست یابد (خواجه سروری، ۱۳۸۶) برای موفقیت یک سیاست خارجی قدرت هر کشور به توانایی آن در به کارگیری دیپلماسی رسانه ای، به ویژه دیپلماسی رسانه ای در روابط بین الملل بستگی دارد؛ چراکه «رسانه ها واسطه میان آگاهی فردی، ساختارهای گسترده بین المللی و سازنده معنا هستند (مهدی زاده، ۱۳۸۹: ۲۴) بدین معنا رسانه ها به عنوان یکی از بازیگران اصلی حاضر در کارزار دیپلماسی امروز تبدیل شده اند. آنها در تمامی مراحل فرایند شکل گیری سیاست خارجی نقش دارند و رهبران سیاسی رسانه ها را از جنبه های ملی و بین المللی مورد توجه قرار می دهند (خرازی آذر و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۳). از سوی دیگر، خروج آمریکا از توافق برجام و اعمال تحریم های ظالمانه علیه ج.ا.ا، باعث شده است که ج.ا.ا با چالش هایی چند وجهی مواجه شود. در واقع خروج آمریکا از برجام در راستای انزوای ج.ا.ا در جهان بوده و ضربه ای چند وجهی به منافع ملی و امنیت ج.ا.ا وارد کرده است، در کنار عوامل مادی از جمله تحریم ها؛ عوامل معنایی همچون ایران هراسی و حامی تروریسم بودن، بازنمایی های منفی از هویت خود و دیگری، و استفاده از کنش های گفتاری نامناسب، از موارد نافرجامی برجام محسوب می شوند. (سلیمان زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۹) از طرفی رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به جنگ ترکیبی دشمن علیه ملت ایران تأکید کردند: «دشمن یک جنگ ترکیبی را شروع کرد؛ دشمن یعنی آمریکا، اسرائیل، بعضی از قدرت های اروپایی مودی و خبیث، بعضی از گروه ها و گروهک ها، همه ی امکاناتشان را وارد میدان کردند. همه ی امکانات یعنی چه؟ یعنی دستگاه های اطلاعاتی شان را، دستگاه های رسانه ای شان را، ظرفیت فضای مجازی شان را، استفاده از تجربه های گذشته شان را» مسئولین رسانه ها، مسئولین امور ارتباطات، قبل از اینکه دشمن، محتوای غلط و انحرافی و دروغ درست کند، شما محتوای دارای حقیقت و صحیح را درست کنید، انتقال بدهید به ذهن جوان ها؛ دشمن مشغول این کار است؛ در چنین فضایی، نقش شبکه های برون مرزی ج.ا.ا که وظیفه تصویرسازی مثبت از ایران در عرصه بین المللی را

دارند بیش از هر نهادی ضرورت پیدا می‌کند. آمریکا در آینده تمایل چندانی به استفاده از قدرت نظامی نخواهد داشت و برتری نظامی به معنای برتری جهانی نیست. برتری واقعی زمان‌بست که بتوان بدون جنگیدن، مقاومت دشمن را در هم شکست. در کشور ایران، شبکه‌های برون مرزی صدا و سیمای ج.ا.ا. نقشی اساسی در دیپلماسی رسانه‌ای کشور ایفا می‌کنند که شناخت و کارکردهای آن در تحقق منافع ملی ج.ا.ا. در دنیای معاصر و دوران پرچالش پسابرجام بسیار ضروری و حائز اهمیت است؛ بر این اساس، پژوهش حاضر بر نقش شبکه‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران در تقویت دیپلماسی رسانه‌ای کشور در دوران پسابرجام، برای تأمین منافع ملی متمرکز است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که جهت مقابله با پروپاگاندا و سیاست‌های خاص گرایانه رسانه‌های جریان اصلی، دیپلماسی رسانه‌ای رسانه ملی با ارائه‌ی تصویری مثبت از ایران در عرصه جهانی، موجب کاهش ایران‌هراسی در سطح افکار عمومی جهانی شده است. بنابراین، مساله پژوهش حاضر بر نقش شبکه‌های برون‌مرزی صدا و سیمای ج.ا.ا. در تقویت دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در دوران پسابرجام، برای تأمین منافع ملی متمرکز است. بر این اساس سؤالات زیر مطرح می‌شود:

دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در دوران پسابرجام باید دارای چه مؤلفه‌هایی باشد و نقش شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی در تقویت و تثبیت این دیپلماسی چیست و چگونه می‌تواند آثار تحریم‌های کشورهای جهان را علیه جمهوری اسلامی ایران کاهش دهد؟

۲- پیشنهاد تحقیق

شفیعی سروستانی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «الگوی مطلوب دیپلماسی رسانه‌ای در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران» به بررسی و پیاده‌سازی الگوی دیپلماسی رسانه‌ای در وزارت امور خارجه پرداخته و معتقدند که الگوی دیپلماسی رسانه‌ای در دستگاه سیاست خارجی، در وهله اول اقدام به رصد اخبار و وقایع در سراسر دنیا می‌نماید؛ در وهله دوم از طریق اطلاع‌رسانی اطلاعات، موضع‌گیری و جریان‌سازی، به تحولات پیش‌آمده پاسخ می‌دهد؛ طی این چرخه اقدام به ارزیابی اقدامات نموده، سپس در صورت لزوم به فعالیت‌های سلبی رسانه‌ها، واکنش نشان می‌دهد.

مسعود نیک‌روش و علیرضا پویا (۱۳۹۹) در مقاله «ظرفیت‌های برون‌مرزی رسانه ملی در ارتقای دیپلماسی رسانه‌ای ج.ا.ا. (مطالعه موردی: منطقه خلیج فارس)» بر آن هستند که شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی، این ظرفیت را دارند که با اقداماتی از قبیل تشکیل و تأسیس مجامع رسانه‌ای مشترک، تقویت تولید محتوا بر اساس ذائقه مخاطبان، ارائه آموزش‌های رسانه‌ای و همچنین ارتباط مؤثر با ایرانیان مقیم سایر کشورها، در جهت ارتقاء دیپلماسی رسانه‌ای و تأمین منافع ملی ج.ا.ا. گام‌های بیشتری بردارد.

علی اکبر رزمجو و دیگران در پژوهش خود با عنوان «دیپلماسی رسانه ای ایران، مطالعه موردی دیپلماسی رسانه ای صدا و سیما» جایگاه رسانه ملی در دستگاه دیپلماتیک، وظایف، اهداف و کارکردهای آن در این زمینه و نقش و تاثیر آن بر منافع ملی را مورد بررسی قرار داده اند. نویسندگان به این نتایج رسیده اند: با توجه به اینکه گفتمان سازی، تصویرسازی و اقناع دیگران در تعاملات دیپلماتیک جایگاهی بسیار مهم و ضروری یافته اند، رسانه ملی می تواند با بهره گیری از فرصت های نوین منطقه ای و بین المللی، با استفاده از شبکه های برون مرزی خود در جذب و اقناع دیگران در بیان خواسته ها و منافع ملی، اعتماد سازی و بسیج افکار عمومی و حمایت از خط مشی ها و راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بسیار کارآمد باشد.

حسن بشیر در پژوهش خود با عنوان «دیپلماسی گفتمانی: تعامل سیاست، فرهنگ و ارتباطات» با بهره برداری از مفاهیم دیپلماسی عمومی، فرهنگی، رسانه ای، مسئله ضرورت تعامل و همگرایی عناصر گوناگون سیاسی، فرهنگی، ارتباطی و اجتماعی، دولتی و مردمی، در درون و بیرون مرزها، با توجه به ساختار حاکم بر روابط بین الملل و نظام بین الملل را مطرح می سازد. در این پژوهش پیوند بین قدرت سیاسی و قدرت رسانه ای که به شدت در جهت تعمیق تعامل میان سه حوزه سیاست، فرهنگ و ارتباطات موثر است، به این نتیجه رسیده است که توافق هسته ای ج.ا.ا. بیش از آنکه محصول زبان سخت سیاسی باشد، نتیجه زبان نرم گفتمانی و چگونگی ایجاد اشتراک معنا میان معنای داخلی و خارجی و یک فهم جهانی در مورد برجام است.

سلیمانزاده و دیگران در پژوهشی با عنوان «تحلیل سازه انگارانه ایران هراسی در سیاست خارجی امریکا در دوران پسابرجام» به این نتیجه رسیده اند که؛ امریکا به دلیل تضاد هویتی با جمهوری اسلامی ایران، بی اعتمادی شدید و بلندمدت نسبت به ج.ا.ا. و با استناد به دلایلی همچون نقض حقوق بشر،

حمایت از تروریسم و تلاش برای گسترش سلاح های کشتار جمعی، همچنان ج.ا.ا را به عنوان یک هویت متخاصم شناسایی و بازنمایی می کند (سلیمان زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۹-۱۲۰).

آن چیزی که پژوهش حاضر را از سایر آثار متمایز می کند، نقش شبکه های برون مرزی رسانه ملی برای تحقق منافع ملی در آینده دیپلماسی رسانه ای ج.ا.ا در بعد تصویرسازی مطلوب به ویژه در دوران پسابرجام است که وجه نوآورانه پژوهش کنونی بوده و در پژوهش دیگری وجود نداشته است. پژوهشگران به این نتایج رسیده اند که شبکه های برون مرزی رسانه ملی برای اینکه بتوانند نقش موثرتری در دوران پسابرجام برای تحقق منافع ملی ج.ا.ا ایفا کنند، با تاکید بر همکاری و گفتگوهای دولت ملت ایران با دولت ملت ها و تمدن های جهان در راستای تامین امنیت جهانی، دیپلماسی رسانه ای جمهوری اسلامی ایران، همه جانبه، نوین، کارا و اثربخش تر برای تحقق منافع ملی ج.ا.ا در دوران پسابرجام خواهد بود. بر این اساس مقاله حاضر هم به لحاظ ماهیت و هم از نظر مقطع زمانی تحلیل دارای نوآوری است.

۳- تعریف مفاهیم

۳-۱- صدا و سیما (رسانه ملی)

سازمان صدا و سیما ج.ا.ا بزرگترین رسانه رسمی و انحصاری کشور است که با داشتن ۱۵۶ شبکه رادیویی و تلویزیونی، شامل ۲۰ شبکه تلویزیونی ملی، ۱۶ شبکه رادیویی ملی، ۳۳ شبکه رادیویی استانی و ۳۳ شبکه تلویزیونی استانی، ۷ رادیوی شهری، ۱۵ شبکه تلویزیونی برون مرزی و ۳۳ شبکه رادیویی برون مرزی به ۳۵ زبان بین المللی، و با تعداد ۱۷ دفتر خبری خارج از کشور، یکی از بزرگترین سازمان های رسانه ای دنیاست (رزمجو و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۰)؛ و در حوزه رسانه و سیاست در معاونت برون مرزی صدا و سیما با تولید و پخش (تولیدات چند رسانه ای در بستر وب) نقشی مهم در زمینه اطلاع رسانی، آگاهی بخشی، آموزش، سرگرمی و دیپلماسی رسانه ای جمهوری اسلامی ایران دارد. این سازمان علاوه بر تملک و کنترل رادیو و تلویزیون، مالک شرکت فیلم سازی سیما فیلم است. جشنواره های فیلم، موسیقی و هنری برگزار می کند، کتاب، روزنامه و مجله منتشر می کند.

۲-۳ دیپلماسی رسانه ای

دیپلماسی رسانه ای به صورت عام به معنای به کارگیری رسانه ها برای تکمیل و ارتقای سیاست خارجی است. به بیان دیگر، دیپلماسی رسانه ای، کاربرد رسانه ها به طور ویژه در ترقی و روان سازی سیاست خارجی است (گیلوا، ۲۰۰۲). دیپلماسی رسانه ای به مجموعه سازوکارهای رسانه ای اطلاق می شود که از طریق آن می توان بخشی از سیاست ها را بر مردم، احزاب، سیاستمداران، گروه ها، نهادها، سازمان های بین المللی و حتی دیگر دولت ها اعمال کرد (ساداتی، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

۳-۳ دیپلماسی عمومی

دیپلماسی بر مبنای ابزارهایی که به کار می گیرد، تنوع لازم را پیدا کرده است؛ دیپلماسی عمومی، چتر وسیع این مفهوم است که سایر مفاهیم وابسته به آن، اعم از دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی رسانه ای و دیپلماسی گفتمانی را زیر پوشش قرار می دهد. جی یکی از اندیشمندان حوزه تحلیل گفتمان، گفتمان را نوعی تفکر و تحلیل فکر می داند. دیپلماسی گفتمانی مدعی است که با فهم درست، به موقع و بر اساس زمینه های موجود می تواند به موفقیت مورد نظر در سیاست خارجی کشور دست یابد؛ در حقیقت، هدف از دیپلماسی گفتمانی دست یابی به یک سطحی از همگرایی ارتباطی است تا بتواند معنای مشترک میان اطراف مختلف ایجاد نماید که نقش اساسی در تحقق دیپلماسی گفتمانی و رسانه ای دارد.

۴-۳ منافع ملی

در مورد تعریف منافع ملی دیدگاه‌های مختلفی شکل گرفته است. از منظر عینی گرایان مانند مورگنتا منافع ملی به عنوان واقعیتی عینی و مهم جهت شناخت، فکر و اقدام سیاستگذاران و «معیار همبستگی» است که باید با آن اقدامات سیاسی را ارزیابی کرد. از دید مورگنتا حداقل منافع ملی یک کشور عبارت است از تأمین امنیت و حمایت از هویت فیزیکی (سرزمینی) سیاسی و فرهنگی کشور در مقابل تهدید و مخاطرات دیگر دولت‌های ملی (علی بخشی و دیگران، ۱۳۸۷). برخی دیگر مفهوم منافع ملی را با مفهوم امنیت پیوند می‌زنند و در راه تضمین آن با فشاری می‌کنند (قامت، ۱۳۹۴: ۲۳-۲۲). منافع ملی در روابط بین‌الملل عموماً در دو معنا استفاده می‌شود: اول،

به عنوان یک ابزار تحلیلی که اهداف یا مقاصد سیاست خارجی را تبیین می‌کند؛ دوم به عنوان منافع عمومی توصیف می‌گردد (سیمبر و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴-۱۵).

۳-۵ برجام و پسابرجام

در سال ۱۳۹۲ مذاکرات طولانی و فشرده ای میان ایران و گروه ۵+۱ یعنی شش قدرت جهانی (آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلیس و آلمان) صورت گرفت که نهایتاً به امضای توافق «برنامه جامع اقدام مشترک» یا «برجام» در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) انجامید (hider 2015:113) براساس این توافق، ج.ا.ا. محدودیت‌های برنامه ی هسته ای و بازرسی‌های گسترده را پذیرفته و پس از اجرای تعهدات دو طرف بر اساس برجام و طبق برنامه با لحاظ مدت زمانی که کشورها، دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی و اتحادیه‌های منطقه ای لازم دارند بتوانند با راهکارهای قانونی اقدام به لغو تحریم‌های سازمان ملل و همچنین تحریم‌های یکجانبه ی آمریکا و اروپا علیه ایران کنند؛ اما با امضای دونالد ترامپ رئیس‌جمهور اسبق آمریکا در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ شمسی (۸ مه ۲۰۱۸ میلادی) واکنش از برجام به طور رسمی خارج شد که در این پژوهش از آن با عنوان پسابرجام یاد می‌شود.

۴- چهارچوب نظری: سازه‌انگاری ۱

نظریه سازه‌انگاری به لحاظ شناخت‌شناسی بین اثبات‌گرایان و پسااثبات‌گرایان قرار دارد و ضمن رد وضعیت آنارشی در نظام بین‌المللی، توجه خود را به دولت و عوامل مؤثر در آن مثل فرهنگ، هویت، قواعد و هنجارها معطوف می‌سازد. سازه‌انگاری با تمرکز بر روی هویت، یکی از نیازهای سطح بالاتر و در عین حال واقعی، یعنی نیاز به تعلق داشتن و نیاز به شناخته شدن از طرف دیگران (به حساب آمدن) را هدف خود قرار داده است (کوبالکووا، ۱۳۹۲: ۲۹۶) و نت یکی از بنیانگذاران سازنده گرای، اهمیت هویت درباره منافع را به گونه ای می‌داند که بدون هویت منافی نیز وجود نخواهد داشت و تنها زمانی به بحث منافع می‌رسیم که هویت داشته باشیم؛ و اساساً بر مبنای هویت خود به دنبال منافع می‌رویم (Ringmar - 1997:280). از این رو اگر سازه‌انگاری به مسئله ای اساسی ای در زندگی انسان (غیر از ثروت یا امنیت) پرداخته باشد، آن هویت افراد، به منزله کارگزاران است (کوورت، ۱۳۹۲: ۲۸۰)

سیاست بین الملل نیز در نگاه سازنده گرایان در نهایت از طریق ارتباطات (رسانه ها) و تعامل میان واحدهای آن تعیین می شود (Ringmar, 1977: 270) در این رویکرد، روایت‌ها در قالب گفت‌وگوها مطرح می‌شوند، اهداف و منافع ملی اموری ثابت، عینی، دقیق و از پیش تعیین شده نیستند بلکه همه آنها به صورت بینادهنی شکل گرفته و بیان می‌شوند و معمولاً گفت‌وگوهایی که قدرت را در دست می‌گیرند، برای مشروعیت بخشی به روایت‌های خودشان، روایت خود را از منافع و اهداف به صورت منافع ملی مطرح می‌سازند. گفت‌وگوها، در شکل دادن به سیاست خارجی و اقتدار دولت‌ها نقش اساسی دارند؛ بنابراین می‌توان مدعی شد که با بررسی گفت‌وگوها حاکم بر هر دولتی، می‌توان جهت‌گیری کلی، اهداف و منافع و تا حدودی رفتار آن را در قبال موضوعی خاص ارزیابی و تحلیل کرد (کاتلین، ۲۰۰۷، ۱۷). در یک جمع‌بندی کلی باید گفت که نگاه سازه انگاران در سیاست خارجی را می‌توان در سه سطح مطرح نمود: الف- سازه انگاران «سیستمی» به نمایندگی و نت که بر نقش ساختارهای نظام بین‌الملل و قواعد و هنجارهای بین‌المللی در شکل‌گیری هویت دولت‌ها تأکید می‌کنند. ب- سازه انگاران «سطح واحد» که به تأثیر قواعد و هنجارهای داخلی در شکل‌گیری هویت، منافع و سیاست خارجی دولت‌ها پرداخته‌اند و ج- سازه انگاران «کل گرا» که نگاهی تلفیقی دارند و به نظر آنها، قواعد و هنجارهای داخلی و بین‌المللی دو چهره یک نظم واحد می‌باشند (امری که در این مقاله به آن پرداخته شده است) (جوادی ارجمند، ۱۳۹۳: ۷۵). اصطلاح سازه انگاری، طیف متنوعی از دیدگاه‌های نظری را شامل می‌شود که مخرج مشترک آنها این فرض است که ما دسترسی مستقیمی به واقعیت نداریم و به جای آن جهان اجتماعی [رسانه‌ها] برای ما در دسترس است که از طریق نحوه‌ی تعامل ما با دیگران، ایده‌هایی که در مورد جهان به اشتراک می‌گذاریم و چگونگی تجربه ما از محیط پیرامون، برساخته می‌شود (۲۰۱۴: ۲۴ Schieder and Spindler) در نزد سازه انگارانی مثل ونت مهم‌ترین ساختارهایی که دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی در آن قرار می‌گیرند، متشکل از انگاره‌ها هستند نه نیروهای مادی. انگاره‌ها معنا و محتوای قدرت و راهبردهایی را که دولت‌ها از طریق آنها منافع خود را دنبال می‌کنند، تعیین می‌کنند. البته این به معنای برتری انگاره‌ها بر منافع و قدرت نیست، بلکه به معنای آن است که انگاره‌ها به قدرت و منافع قوام می‌بخشند (کاتز و کریستین، ۲۰۰۶: ۵۳ - ۸۷ بزرگمهری و احمدیان، ۱۳۹۲: ۶۳۹)؛ انگاره‌ها، هنجارها، فرایندها، بینادهنیت، نهادها، ایده‌ها، باورها، ارزش‌ها، ساختارهای اجتماعی، کارگزاری، زبان و هویت، منافع ملی، پیشرفت، تعامل میان سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی، از کلمات کلیدی

مکتب سازه انگاری محسوب می شوند. هاف (۱۹۹۸) می گوید: سرچشمه های تکوین و تغییر هویت، در داخل و خارج می تواند دنبال شود. در داخل، توجه به فرهنگ، سیاست، هنجارها و قوانین - و در خارج، توجه به نهادهای بین المللی، تعاملات بین دولتی، حقوق بین الملل و هنجارهای بین المللی و مانند اینها دانست (ر.ک: اونف ۱، ۱۹۸۹ و ۲۰۰۲؛ اونف و کلینک، ۱۹۸۹). یکی از حوزه های مورد توجه در سازه انگاری رابطه میان ساختار و کارگزار است. این مسئله که تا چه حد کارگزاران [رسانه ملی] در شکل دهی، تغییر یا تداوم بخشیدن به ساختار معنایی نظام بین الملل [سیاست خارجی] نقش دارند و تا چه حد خود این ساختار است که به آنها قوام می بخشد از موضوعات مورد توجه نظری در میان همه سازه انگاران است (کارلسنایس، ۱۹۹۲؛ ونت، ۱۹۸۷؛ دسلر، ۱۹۸۹) در واقع علت اینکه مکتب سازه انگاری چهارچوب نظری این پژوهش قرار گرفته این است که مکتب سازه انگاری مکتبی است که اعتقاد به تحول در روابط بین الملل بر اساس تعامل هنجارها و قواعد خاصی که میان سیاست داخلی و سیاست بین المللی وجود دارد و جامعه بین الملل را تشکیل می دهند داشته است و هویت و منافع ملی دولت ها با این هنجارها خلق می شوند. دشمن از چند سلاح مانند اخبار جعلی، پروپاگاندا، محاسبات، اعتمادزدایی، ناامیدسازی جامعه، ناکارآمد نشان دادن حاکمیت، از بین بردن مشروعیت های جامعه و زیر سوال بردن اعتبار نظام و حاکمیت در راس یک کشور استفاده می کند که نتیجه اش هویت زدایی و ایدئولوژی زدایی گسترده در بدنه آن کشور می شود. بدین ترتیب با توجه به نظریه سازه انگاری می توان نتیجه گرفت، رسانه های یک کشور، در شکل دادن، تغییر یا تداوم بخشیدن به ساختار معنایی هویت یک کشور در نظام بین الملل نقش بسیار مهمی دارند؛ و با توجه به اینکه شبکه های برون مرزی صدا و سیما، ج.ا.ا. به شکل دولتی و حکومتی اداره می شوند و به عنوان بازوی اصلی دیپلماسی رسانه ای جمهوری اسلامی ایران هستند، در شکل دادن، تغییر یا تداوم بخشیدن به ساختار معنایی هویت ایران در نظام بین الملل در دوران حساس پس از برجام نقش بسیار مهمی دارند.

1 Nicholas G. Onuf

2 - Structure

3 - Agent

۵- دیپلماسی رسانه ای و منافع ملی

در دهه های اخیر، رسانه ها به مهمترین منابع مبادله اخبار، افکار و عقاید سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیز به نیرومندترین اثرگذاران در روابط بین الملل تبدیل شده اند. در این میان، هدف اصلی سیاست خارجی کشورها که بر پیشبرد منافع ملی در صحنه های بین المللی استوار است همچنان پا برجاست و تنها راهبردهای مربوط به آن تغییر کرده است. پیش از جنگ جهانی دوم، برتری نظامی یک کشور، نقش قاطعی در شکل دهی هویت ملی و تصویر بین المللی آن ایفا می کرد، اما در اوضاع و احوال جهان کنونی، قدرت هر کشور به چگونگی توانایی آن کشور در کاربرد دیپلماسی رسانه ای و ایجاد همبستگی بین تصویر بین المللی و هویت ملی کشورها وابسته است (دهقانی، ۱۳۸۶: ۴۰۱). دسترسی به رسانه ها به ویژه رسانه های جهانی گفتمان ساز، راه های بیشتری برای نفوذ بر مردم، سیاستمداران و نخبگان فکری خارجی را به همراه دارد (خرازی آذر، ۱۳۹۴)، یک کشور از طریق جذب افکار عمومی جهانیان و برقراری ارتباط احساسی و عاطفی با مردم کشورهای خارجی، بهتر می تواند به منافع ملی خود دست یابد (سلطانی فر، ۱۳۸۹: ۱۱۷). به بیان روشن تر، در دنیای امروز، رسانه ها به عنوان یکی از ابزارهای قدرت ملی و بخشی از دیپلماسی عمومی کشورها، نقشی معناساز و هویتی پیدا کرده اند. هویت ملی کشورها بدون رسانه ها بازسازی نمی شود. رسانه ها می توانند منافع ملی واحدهای سیاسی را باز تعریف کرده و از این طریق برای منافع ملی کشورها مشروعیت بین المللی ایجاد کنند؛ این امر به مفهوم آن است که موج جدید نظام جهانی، از حوزه اندیشه آغاز می شود و به حوزه گفتمان های رسانه ای می رسد و در نهایت به عرصه دیپلماسی و فرایندهای دفاعی وارد خواهد شد (متقی، ۱۳۸۶: ۱۸۸). در مجموع می توان گفت: کشوری که ابزار رسانه ای قویتری برای متقاعدسازی دارد، به منافع ملی بیشتری نائل می شود. رسانه ها با توجه به جایگاه خود می توانند مبدا رویکردها، جهت گیری ها، گفتمان ها و خرده گفتمان های تازه باشند (طاهریان، ۱۳۸۹: ۱۴۱)

۶- سازه انگاری، دیپلماسی رسانه ای و گفتمان

سازه انگاری به عنوان منبع تحول، گفتمان جدیدی را به وجود می آورد که شکل دهنده منافع و هنجارهای رفتاری می باشد (Walt, 1998: 19) با چنین تفسیری از مکتب سازه انگاری، می

توان گفتمان سازه‌انگاری [شبکه‌های برون مرزی رسانه ملی] را گفتمانی دانست که نه تنها تکیه بر منافع داخلی داشته و ساختارها و عوامل موثر خود را بر اساس منافع ملی و مردمی طراحی می‌کند، بلکه برای هماهنگی و همخوانی با جامعه بین‌المللی نیز، منافع و ساختارهای بین‌المللی را برای ایجاد تعادل و وصول تعامل متوازن مورد توجه قرار می‌دهد. (بشیر، ۱۳۹۵: ۵۰) تعامل سازه‌انگاران بر مبنای قواعد و هنجارهایی صورت می‌گیرد که به طور بین‌الذنهانی شکل گرفته‌اند و فهمیده می‌شوند (onuf, 1994:8) اصولاً مکتب سازه‌انگاری، دیپلماسی رسانه‌ای را نه فقط به عنوان ابزاری برای شناخت جهان، بلکه ابزاری برای ساختن جهان هم می‌داند. در مکتب سازه‌انگاری، مسئله هویت، رابطه تعاملی آن با قدرت، دولت، منافع ملی و روابط بین‌المللی است (walt, 1998:19) محور اصلی سازه‌انگاری این است که بازیگران در عرصه روابط بین‌الملل، دانش و معنا را فعالانه بر مبنای تجربیات قبلی خود می‌سازند. شبکه‌های برون مرزی صدا و سیما ج.ا.ا. نیز نقشی بی‌بدیل در عرصه معناسازی و ایجاد ذهنیت در فضای بین‌الذنهانی جهانی و افکار عمومی جهان دارند؛ و با توجه به نقش انحصاری و بی‌مانند شبکه‌های برون مرزی رسانه ملی به عنوان بازوی اصلی دیپلماسی رسانه‌ای و گفتمانی جمهوری اسلامی ایران، شبکه‌های برون مرزی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در دوران پسابرجام، در حقیقت پلی ارتباطی میان سیاست‌های داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای مختلف هستند که علاوه بر هماهنگ‌سازی شرایط داخلی با شرایط خارجی، سعی بر آن دارند تا نوعی همخوانی عقلانی و منطقی در عملکرد دستگاه سیاست خارجی در تعامل با جامعه بین‌المللی در دوران پسابرجام در راستای تحقق منافع ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کنند و نقشی فعال در عرصه معناسازی و ایجاد ذهنیت مثبت از ایران در افکار عمومی و فضای بین‌الذنهانی جهان داشته و دارند، در اینجا به مفاهیم برجسته‌سازی (مک‌کامبز و شاو، ۱۹۷۲ و کوهن، ۱۹۶۳)، اولویت‌گذاری (اینگار و کیندر، ۱۹۸۷) و چهارچوب‌سازی (انتمن، ۱۹۹۱) اشاره دارد که برای شکل دادن به افکار عمومی می‌باشد؛ برجسته‌سازی به توانایی رسانه ملی در تمرکز بر برخی از موضوعات به جای امور دیگر و هدایت مردم به تفکر درباره آنها اشاره می‌کند، اولویت‌گذاری به توانایی‌های رسانه ملی برای آماده‌سازی و هدایت عموم به سمت و سوی موضوعاتی اشاره دارد که باید به واسطه آن درباره رهبرانشان قضاوت کنند، و قالب بندی به شیوه‌ای در رسانه ملی اشاره دارد که در آن ارائه واقعی

اطلاعات خبری بر چگونگی تصور مردم از مقوله های خاص، تاثیر می گذارد. (استیو اسمیت و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸۰)

۷- سازه انگاری و اقناع

یکی از فرایندهای مورد نظر سازه‌انگاران درخصوص مسئله پابندی به هنجارهای بین‌المللی، اقناع یا یادگیری اجتماعی است (Simmons, 1998: 77). به اعتقاد چکل در رهیافت اقناع، مسئله، فشار سیاسی و یا انتخاب فردی نیست، این یادگیری و تعامل اجتماعی است که کارگزاران را به سمت پابندی به تجویزهای هنجاری هدایت می‌کند؛ از این منظر پابندی دولت‌ها نتیجه یادگیری و مناظره اجتماعی [از طریق رسانه‌ها] است که موجب تغییر ترجیحات می‌شود. این رهیافت، سازوکاری را ارائه می‌دهد که در آن، تعامل اجتماعی کارگزاران، یادگیری دو طرفه و کشف ترجیحات جدید را جایگزین محاسبه یک طرفه می‌کند (Checkel, Jupile & James, 2003: 553-558). با بررسی طیف رهیافت‌های سازه‌انگارانه در خصوص پابندی به هنجارهای بین‌المللی از طریق اقناع بازیگران، سه رویکرد مشخص قابل تمایز است: اقناع افقی، اقناع عمودی و اقناع تکوینی.

۷-۱ اقناع افقی:

نظریه پردازانی که بر اقناع افقی و بیشتر بر روابط بین دولتی متمرکز هستند، به دنبال آزمون این مسئله اند که چگونه اقناع در مجموعه‌های دیپلماتیک به ویژه در سطح روابط میان‌نخبگان و تصمیم‌سازان سیاسی دولت‌ها [از طریق رسانه‌ها] سبب می‌شود که در آن نمایندگان دولت‌ها در یک فرایند یادگیری اجتماعی و آگاهی، جهت پابندی به هنجارهای بین‌المللی متقاعد شوند (Checkel, 1997: 473-495). چکل معتقد است که هنجارها الزاماً توسط نخبگان و از طریق یک فرایند اقناع و جامعه‌پذیر، توسط کارفرمایان هنجار، درونی نمی‌شوند، بلکه گاهی با توجه به عناصر مادی، چون پول، تجارت، پرستیژ [رسانه‌های جریان اصلی] و به وسیله قدرتمندترین حکومت‌ها و نهادها تحمیل می‌شوند (Checkel, 1997: 473-495). چکل مطرح می‌سازد که یکی از شروط اقناع موفق آن است که اعضاء گروه [رسانه‌ها] در حال تعامل، به صورت نسبی واجد درجات بالائی از استقلال باشند. ذیل این مدل هرچه حکومت‌ها

تمرکزگراتر باشند، رهبران آنها امکان بیشتری برای قانع شدن جهت سازگاری با یک هنجار و پابندی به آن را خواهند داشت. در مقابل، نمایندگان حکومت های غیر تمرکزگرا، به جهت آنکه رهبران آنها از استقلال کمتری برخوردار هستند، کمتر پذیرای مدل های اقناع هستند، در نتیجه توان آنها در درگیر شدن در یک گفتمان استدلالی محدود است (Checkel, 2003: 553-558)؛ با توجه به اینکه برای دنیای بیرون از ایران، بهترین و آسانترین راه برای دسترسی به داشته ها و اندوخته های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و غیره ج.ا.ا، رسانه هایی هستند که با هدف برقراری ارتباط با مخاطبان برون مرزی (دولت- ملت ها) فعالیت می کنند، شبکه های برون مرزی صداوسیما ج.ا.ا با انعکاس سریع اخبار و اطلاعات برجام و آشنا کردن مردم جهان با ظرفیت های جمهوری اسلامی ایران همچنین مواضع و ارائه سیاست های ج.ا.ا در قبال مسائل مهم منطقه ای و بین المللی، انحصار رسانه های جریان اصلی غرب و پیروان آنها را جهت پابندی به هنجارهای بین المللی به چالش کشیده و از طریق شبکه های رادیویی و تلویزیونی و پایگاه های اینترنتی خود، به ضریب نفوذ پیام ج.ا.ا یاری می رسانند؛ از طرفی در حالی که بسیاری از شبکه های غربی، عربی و امریکایی اطلاع رسانی های ناقص و با جهت گیری های خاص از برجام ارائه می دهند، زمینه مناسبی فراهم است تا مخاطبان غربی، عربی، امریکایی و جز اینها، از نگاهی دیگر با مذاکرات هسته ای و برجام آشنا شوند؛ در این راستا شبکه های برون مرزی رسانه ملی به ۳۵ زبان بین المللی با ایجاد پلی فرهنگی، الزام آزادی بیان و ضرورت شناخت حقیقت، قبل از شنیدن اکاذیب، در دفاع از اصول سیاست خارجی کشورمان، گام های موثری برداشته است. راهبرد مهار برنامه های استیلاجویانه جمهوری اسلامی ایران با هدف تضعیف و مقابله با منابع قدرت نرم ج.ا.ا بوده و اشاره به توان رسانه ای ج.ا.ا در برابر قابلیت تحت شعاع قرار دادن نفوذ امریکا در منطقه است (۲۰۱۷، tadros).

۲-۷ اقناع عمودی:

در اقناع عمودی، نهادهای فوق ملی همچون سازمان ملل متحد و آژانس بین المللی انرژی اتمی که بر درونی سازی هنجارها تاکید دارند مورد توجه قرار می گیرند. بازیگران دولتی و غیردولتی فراملی که در حال تعامل دائم با فرایندهای قانونی فوق ملی هستند، هنجارهای بین المللی را تولید و تفسیر می کنند و سپس به دنبال درونی کردن این هنجارها در سطح داخلی بر می آیند (koh and Koh 2005,1999 :1405-1411). در دیپلماسی رسانه ای جمهوری

اسلامی ایران و گفتمان ملی و فراملی صدا و سیما ج.ا.ا. چهار عامل موثر وجود دارد که کلیه تولیدات و سیاست گذاری های رسانه ای رسانه ملی بر پایه آنها شکل گرفته اند، این عوامل عبارتند از: ۱- عوامل سیاسی ۲- عوامل فرهنگی ۳- عوامل دینی و ۴- عوامل امنیتی- نظامی، که از منظر روابط بین الملل و در سطح فراملی، تشکیل دهنده دیپلماسی رسانه ای جمهوری اسلامی ایران در معاونت برون مرزی رسانه ملی می باشند. البته عوامل فوق در بیشتر تولیدات همپوشانی های لازم را دارا هستند، اما ظهور هر عامل بستگی به میزان روابطی دارد که بر اساس آن عامل یا عوامل با یکدیگر دارند. شبکه های برون مرزی رسانه ملی، وضعیت موجود در نظام بین الملل و به ویژه برجام را متأثر از قدرت سیاسی، نظامی، و فرهنگی قدرت های بزرگ می دانند که در مناطق خاصی از جهان متمرکز هستند، این در حالی است که نقش بازیگران منطقه ای و کشورهای پیرامونی در این نظام اندک است و بر این اساس برون مرزی رسانه ملی تلاش دارد گفتمان جدیدی را مطرح سازد تا در آن به ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی در نظام بین الملل توجه و دقت بیشتری شود. در گفتمان سیاسی غرب و امریکا و سازمان های بین المللی وابسته به آنها، با استفاده از انواع ترندهای رسانه ای، رویدادها و روندهای جهانی را وارونه جلوه داده و فراواقعیت را به صورت واقعیت بیان می کنند؛ این تصویرسازی ها از طریق فرایندهای رسانه ای سیاسی و تبلیغاتی غربی، عربی، امریکایی مطرح و تثبیت شده است؛ این در حالی است که واقعیات و رویدادهای کنونی جهان، این گفتمان را نقض می کند و [شبکه های برون مرزی رسانه ملی] به دنبال نقض و رد این گفتمان و جایگزینی برای نظم تک ذهنی و منولوگ در سطح جهانی است (رزمجو و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۱۸). همزمان با فرایندهای گفتگوی بین دولتی، یک فرایند فوق ملی وجود دارد که از طریق آن دولت ها، سازمان های غیردولتی و یا شهروندان، خصوصاً با یکدیگر در مورد اینکه چرا باید به هنجارهای بین المللی پایبندی یابند و «ایران خود را تسلیم غرب نخواهد کرد» (Paul et al, 2018) گفتگو می کنند.

۳-۷ افق تکوینی:

افق تکوینی بر تکوین هویت و ترجیحات بازیگران اجتماعی در یک گفتگوی جمعی و به تبع آن پایبندی به هنجارهای بین المللی متمرکز می گردد. در این نگرش، هنجارها، قواعد و هویتها، قادرند توسط رسانه ها و ایجاد قوانین جدید یا بوروکراسی ها نهادینه شوند

(Howard, 2007: 8-12). ج.ا.ا. و رسانه ملی نیز در تلاش برای به چالش کشیدن معیارهای متعارف جهانی که از طریق ظرفیت های رسانه ای است، کاملاً به این جمع بندی رسیده است که از این طریق، ارزش های خود را به نظام جهانی مخابره کرده و از خود در برابر جنگ نرمی که دیگران در سطح رسانه ای به راه انداخته اند، دفاع کند (Vatanka, ۲۰۱۵). دیپلماسی رسانه ای ج.ا.ا. در دوران پساجام به طور نسبی در معادلات سیاسی و امنیت ملی و جایگاه منطقه ای ایران تأثیر به سزایی داشته است و در راستای تأثیرگذاری مثبت بر افکار عمومی و تحقق امنیت ملی و منافع ملی، رخدادهای منطقه ای و جهانی، مذاکرات هسته ای و برجام را بازتاب، و گفتمان ج.ا.ا. را بر پایه «اعتماد متقابل»، «تفاهم متقابل» و «توانایی متقابل» تبیین کرده است. از سوی دیگر، مقابله با عملیات روانی و جریان سازی خبری رسانه های غربی، عربی، آمریکایی، که به اسلام هراسی، شیعه هراسی و ایران هراسی دامن می زنند، از اهداف و منافع ملی مهم ج.ا.ا. و شبکه های برون مرزی رسانه ملی است. ایران برای رسیدن به منافع ملی خود باید بتواند به تفاهم مطلوب در مورد سیاست ها، تصمیم ها و عملکرد های برجامی و غیربرجامی خود برسد و با تمام ظرفیت های قدرت نرم خود و استفاده از ابزارهای مهم رسانه ای که در اختیار دارد، با انجام دیپلماسی رسانه ای و گفتمانی صحیح و به موقع، به امنیت و تحقق منافع ملی خود دست یابد. ج.ا.ا. در چنین شرایطی نه تنها می تواند «بحران هویت» به وجود آمده از فرایند «جهانی شدن» را کنترل کند، بلکه می تواند به ساختن «هویت های جدید» بر اساس نیازها و «منافع ملی جدید» در هر مقطع زمانی اقدام نماید. [یکی از فرصت های بسیار مهم دیپلماسی رسانه ای ج.ا.ا. آشکار کردن دورویی و ریاکاری امریکاست که قابلیت بازنمایی رسانه ای و تولید گفتمان رسانه ای را دارد. دورویی و ریاکاری ناشی از تعارض میان سیاست های اعلامی لیبرالیستی و سیاستهای اعمالی رئالیستی امریکاست (۲۶: Mearsheimer, 2001)]. در واقع می توان اینگونه نتیجه گرفت: با توجه به نقش بی بدیل شبکه های برون مرزی رسانه ملی در عرصه دیپلماسی رسانه ای و گفتمانی، اقناع افقی، عمودی و تکوینی، از مهمترین عوامل اثربخشی دیپلماسی رسانه ای و گفتمانی صدا و سیمای ج.ا.ا. در روابط بین الملل هستند که می توانند با بهره گیری از فرصت های نوین منطقه ای و بین المللی، به زبان های مختلف، در جذب و اقناع جهانیان، اعتماد سازی و حمایت از خط مشی ها و راهبردهای سیاست خارجی ج.ا.ا. در بسیج افکار عمومی در بیان خواسته ها و منافع ملی ج.ا.ا.

کارآمد باشند، آنچنان که مقام معظم رهبری راه مقابله با جنگ رسانه ای و شناختی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی دشمنان را استمرار راه شهدا، مجاهدت، ایستادگی و مقاومت می دانند.

۴-۷ اقناع، دیپلماسی رسانه ای و منافع ملی

در دنیای امروز از اقناع به عنوان یکی از کلیدی ترین مولفه های «سازه انگاری»، «نفوذ اجتماعی» و «قدرت نرم» یاد می شود، زیرا از این طریق می توان نظرات و اراده خود را بدون بهره گیری از زور و تطمیع بر دیگران موثر دید و نظرات و رفتارهای آنان را دستخوش تغییر قرار داد و به منافع ملی دست یافت (ساروخانی، ۱۳۸۳). چنانچه دستگاه عظیم رسانه ای به کار آید اما به حد اقناع نرسد به یقین تمام منابع به هدر رفته است (ساروخانی، ۹۴: ۱۳۸۳). از سوی دیگر، در اجرای دیپلماسی رسانه ای و گفتمانی، رسانه‌ها با استفاده از گفتگو و اقناع طرف مقابل، در کسب بیشتر منافع ملی تلاش می کنند؛ و برای انتقال سریع اطلاعات مورد نیاز به تصمیم گیران سیاست خارجی، افکار عمومی را هم به عنوان یکی از بازیگران اصلی دیپلماسی نوین، از رویدادها مطلع و یا برای هدفی مشخص بسیج می سازند؛ در واقع در طول تاریخ، کشورها در کنار اقدامات آشکار سیاسی، اقدامات پنهانی نیز در راستای امنیت و منافع ملی خود داشته اند که رسانه ها اقدامات دسترسی به این خواسته‌ها را افزایش داده اند (سلطانی فر و دیگران، ۱۳۹۱). بنابراین، کارایی و اثربخشی دیپلماسی رسانه ای و گفتمانی ج.ا.ا توسط شبکه های برون مرزی صدا و سیما ج.ا.ا با موضوع مذاکرات هسته ای و برجام برای تامین منافع ملی در دوران پسابرجام با ارسال پیام های اقناعی از طریق انتشار و پخش برنامه های متنوع به زبان های مختلف به ویژه با استفاده از پایگاه های اینترنتی رسانه ملی قابل دستیابی است.

یافته‌های پژوهش

جهت دستیابی به هدف اصلی پژوهش نویسنده در ابتدا با استفاده از منابع متنی و مصاحبه با بیش از ۲۰ مورد از خبرگان علمی و ابزاری در حوزه رسانه و ارتباطات، مهمترین گزاره های مورد اشاره جهت بهبود عملکرد شبکه های برون مرزی ج.ا.ا استخراج شد. این مصاحبه ها دربردارنده برخی از نکات آسیب شناسی در حوزه عملکرد شبکه های برون مرزی ج.ا.ا در حوزه تصویرسازی

است. در زیر به مهمترین محورهای اصلی مرتبط با کارکرد و کارویژه‌های شبکه‌های برون‌مرزی به‌عنوان نمونه از دل مطالب گردآوری‌شده در قالب کدگذاری اشاره می‌شود:

نمونه مصاحبه‌ی پیاده‌شده و کدگذاری باز در روش تحلیل مضمون:

اهرم قدرتمند دیپلماسی	شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما ج.ا.ا امروزه به اهرم قدرتمندی در دیپلماسی و سیاست خارجی ج.ا.ا تبدیل شده‌اند.
مقاومت رسانه‌ای	ما علاوه بر قدرت سخت و نرم مردمی در حوزه محور مقاومت، نیازمند به رسانه‌ای قوی برای نهادینه‌سازی مقاومت رسانه‌ای و پیشرفت تا نیل به تمدن نوین اسلامی- ایرانی هستیم.
تغییر ذائقه‌های بین‌المللی	شبکه‌های برون‌مرزی امکان‌ات خوبی را در اختیار سایر رسانه‌ها قرار داده‌اند که دسترسی سریع، آسان و بیشتر مخاطب را به دنبال دارند. این پلتفرم‌ها تبدیل به بسترهای جهانی پخش رسانه‌ای شده و ذائقه مخاطب بین‌المللی را تغییر داده‌اند.
اطلاعات غلط و بی‌اساس	دشمنان و استخبار رسانه‌ای غرب همواره در تلاشند تا اطلاعات غلطی درباره ماهیت ج.ا.ا به دنیا مخابره کنند و طوری وانمود کنند که ایران محل مناسبی برای سرمایه‌گذاری نیست.
مدیریت درست افکار عمومی	از این حیث شبکه‌های برون‌مرزی مأموریت دارند تا این اطلاعات غلط را تصحیح کرده و افکار عمومی را به مسیر درست سوق دهند.
تأثیرگذاری فرهنگی	زمانی که مخاطب جهانی مفاهیم و ارزش‌هایی مثل صداقت، راست‌گویی، تواضع، امانتداری و احترام به قراردادهای بین‌المللی و مفاهیمی از این دست را در شبکه‌های برون‌مرزی ببیند و بشنود بدون شک ذهنیت وی نسبت به ج.ا.ا تغییر خواهد کرد
قدرت بازدارندگی	رسانه‌ها فقط یک قدرت تدافعی برای کشورها نیستند بلکه می‌توانند با تأثیرگذاری بر روند مسائل به‌عنوان یک ابزار بازدارنده و تهاجمی در مناسبات منطقه‌ای و جهانی عمل کنند.
دژهای رسانه‌ای کشور	شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما ج.ا.ا به‌عنوان تنها دژهای رسانه‌ای میهن عزیزمان ایران در برابر موج درهم‌شکننده و بی‌امان تبلیغات دستگاه رسانه‌ای محور عبری - عربی - غربی قرار دارند.
رزمندگان میدان جنگ رسانه‌ای	شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما ج.ا.ا حکم رزمندگان میدان جنگ رسانه‌ای را دارند و جایگاه آنها بایستی محترم، مستحکم و متعالی بماند.

نقش راهبردی	شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما ج.ا.ا همچون پرس تی وی، العالم و جز اینها از هر جهت می‌توانند در سیاست خارجی مؤثر باشند؛ هم از نظر فرهنگ‌سازی و هم از منظر معرفی کشور به‌عنوان یک قدرت جهانی و درعین‌حال صلح‌طلب.
نفوذ و انتقال فرهنگی	اگر بخواهیم حرفی برای گفتن داشته باشیم، خودمان را محاصره نکنیم و دور خودمان دیوار نکشیم و نفوذ فرهنگی داشته باشیم بهترین راهش از طریق همین شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما است
تغییر نگرش و پیش‌جامعه هدف	تغییر دیدگاه مردم کشورهای هدف بر اساس خوانش دلخواه، هدف غائی و اساسی در راه اندازی شبکه‌های برون‌مرزی است.
تأثیرگذاری بلندمدت فرهنگی - سیاسی	رسانه فراملی به معنای یک بخش از قدرت دولت در فراسوی مرزها تعریف می‌شود که تأثیرگذاری سیاسی آن با رویکرد دیپلماسی عمومی پیش می‌رود و محصول آن را در بلندمدت می‌توان برداشت کرد.
اقتناع راهبردی	یکی از اهداف مهم شبکه‌های برون‌مرزی، اقناع مردم دیگر کشورها از اقدامات، واکنش‌ها و برنامه‌های راهبردی ج.ا.ا در سیاست خارجی، تروریسم و برنامه هسته‌ای است
تأمین امنیت ملی و کاهش تنش جهانی	تغییر دیدگاه مردم کشورهای دیگر به‌ویژه در منطقه خاورمیانه و جهان غرب بر اساس خوانش سیاسی متفاوت، هدف راهبردی دیگر شبکه‌های برون‌مرزی از جمله پرس تی وی است.
افشای اقدامات و سیاست‌های استعماری	زمانی که مردم امریکا بدانند پول مالیاتشان به‌جای آنکه صرف آبادانی و رفع نیازهای آنها شود، برای ویرانی و کشتار در غرب آسیا هزینه می‌شود آنها را برانگیخته کرده و به‌صفت مخالفان سیاست خارجی کشورشان می‌افزاید.
یارگیری در سرزمین دشمن	همواره دولت‌های مختلف می‌کوشند از طرق مختلف در جامعه هدف خود نفوذ کنند و امروزه از طریق رسانه‌ها، اقدام به یارگیری در سرزمین دشمن در دستور کار همه دولت‌ها قرار گرفته است.
فعالیت‌های آگاهی‌بخش افکار عمومی	گزینه‌هایی که کاخ سفید در اختیار دارد اکنون به دلیل فعالیت شبکه‌های برون‌مرزی رسانه‌های آترناتیو‌هایی مانند پرس تی وی کاهش یافته است.
مدیریت ادراک	اغلب رسانه‌ها به‌عنوان بازوهای اجرایی دولت‌های غربی، می‌کوشند ذهنیت مردم دیگر کشورها، به ویژه ایران را نسبت به دوست و دشمن تغییر دهند. برای این هدف از روش مدیریت ادراک بهره می‌برند.

بازنمایی حقایق	شبکه های برون مرزی ج.ا.ا برای مقابله با آنچه تلویزیون‌ها و مقامات عبری، عربی، غربی، در تلاش برای القای آن هستند باید حقایق را کامل اما با نمایی زیبا و قابل پذیرش به مردم دیگر کشورها نشان دهند.
اقدامات خنثی‌ساز و افشاگر	با فعالیت شبکه های برون مرزی هم فریب تبلیغات رسانه ای غرب خنثی می‌شود و هم ملت‌ها می‌توانند با حقیقت امور آشنا شوند.
وارونه جلوه دادن حقایق و واقعیت‌ها	رسانه‌های جریان اصلی با بودجه‌های کلان و حمایت همه‌جانبه مثلث عبری، عربی و غربی درصدد وارونه جلوه دادن حقایق و واقعیت‌های منطقه‌ای و جهانی هستند
پژواک صدای مظلومان	در سوی دیگر، رسانه‌های جبهه مقاومت با محوریت ایران اسلامی قرار دارند که بر اساس آموزه‌های انقلاب اسلامی پژواک صدای مظلومان هستند
تریبون انقلاب اسلامی	در این نبرد نابرابر رسانه‌ای، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی برون مرزی رسانه ملی به‌عنوان تریبون انقلاب اسلامی در خط مقدم جنگ نرم با امپراتوری رسانه‌ای آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی قرار دارند.
خط مقدم جنگ شناختی	شبکه‌های برون مرزی صداوسیما ج.ا.ا اولین خط بازدارندگی کشورمان در جنگ شناختی هستند و میدان فعالیت آنها به مراتب وسیع‌تر از بخش دفاعی کشور است. (بازیابی آرایش تهاجمی و حضور هوشمندانه و مبتکرانه در خط درگیری رسانه‌ای با دشمن)
قدرت نرم نظام در خنثی‌سازی توطئه‌ها	شبکه‌های برون مرزی با فعالیت و اقدامات مختلف سیاسی، اقتصادی و ... گام‌های مؤثر و رو به جلویی برداشته‌اند و به‌عنوان قدرت نرم نظام توانسته‌اند توطئه‌های دشمنان را خنثی کنند.
روایت حق‌گویی و واقعی	امروزه در اثر فعالیت‌های تبلیغاتی و سیاسی رسانه‌های مختلف دنیا، حق‌گویی و واقعیت‌نگری مطالبه اصلی انسان‌هاست که شبکه های برون مرزی ج.ا.ا می‌توانند آنها را سرلوحه خود قرار دهند.
خنثی‌سازی سیاه‌نمایی سیاسی	در این شبکه‌ها می‌بایست برخلاف سیاه‌نمایی، به افکار عمومی دنیا نشان دهیم که در ایران گرایش‌های سیاسی و جناحی بعضاً کاملاً متفاوت و حتی متضاد را در کشور داریم.
افتتاح‌سازی افکار عمومی	شبکه های برون مرزی ج.ا.ا با تبادل اطلاعات و ارتباطات بین‌المللی می‌توانند به افتاح شهروندان و افکار عمومی دنیا از کشور نقش داشته باشند.
تبیین مواضع اصولی کشور	شبکه های برون مرزی ج.ا.ا در موضوع برجام و دفاع از حق مسلم ایران در دست‌یابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای بسیار مؤثر هستند.

هزینه‌های اداره شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما در مقایسه با رایزن‌های فرهنگی و برگزاری همایش‌ها و اجلاس‌های بین‌المللی به مراتب کمتر است؛ حال آنکه کارایی و تأثیرگذاری‌شان بیشتر است.	هزینه کمتر اثرگذاری بیشتر
این شبکه‌ها با برقراری ارتباط پویا بین حوزه اندیشه ورزی و تولید برنامه، ارتباط با نخبگان و نهادهای اندیشه‌ای برای به روز نگه‌داشتن فضای محتوایی به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم، بسیاری از خبرسازیه‌ها، جریان‌سازی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های دشمن را خنثی کنند	خنثی‌سازی نقشه‌ها
این شبکه‌ها در راستای استیفای حقوق ملت و حمایت از سایر ملل مظلوم از جمله محور مقاومت، زبان گویای نظام ج.ا.ا در عرصه بین‌الملل هستند.	زبان گویای نظام در عرصه بین‌الملل
بنابراین، نقش راهبردی شبکه‌های برون‌مرزی در پاسداشت امنیت و اقتدار ملی انکارناپذیر است.	پاسداشت امنیت و اقتدار ملی
تمرکز بر اقتصاد رسانه‌ای از طریق معرفی جاذبه‌های باستانی، تاریخی و فرهنگی کشور باهدف تبلیغ صنعت گردشگری نیز ازجمله کارکردهای شبکه‌های برون‌مرزی محسوب می‌شود.	تحرک و پویایی اقتصادی
این شبکه‌ها با تولیدات مناسب و متقاعدسازی اذهان جامعه بین‌الملل، مبنی بر ظالمانه بودن تحریم‌ها علیه کشورمان، نه تنها نقش مؤثری در روند رفع تحریم‌ها دارند بلکه در همراهی جریان فکری جامعه جهانی با حقوق ملت ایران نقش مهمی ایفا می‌نمایند	متقاعدسازی اذهان جامعه بین‌الملل
علاوه بر خنثی‌سازی اثرات تحریم؛ شبکه‌های برون‌مرزی در معرفی و تبلیغ ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف، نقش مستقیم و غیرمستقیم دارند	بسترسازی سرمایه‌گذاری
شبکه‌های برون‌مرزی می‌توانند با تولید آثار مطلوب و ارزشمند، رویکردهای ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی را خنثی کنند و خود را متناسب با هدف‌گیری نظام ج.ا.ا برای حرکت تمدنی‌اش بازسازی و بازآرایی کنند.	خنثی‌سازی تبلیغات روانی
انعکاس حقیقت برای جهانیان در ابعاد مختلفی مانند جنایات جنگی و نقض حقوق بشر در فلسطین، سوریه، عراق، یمن، بحرین و میانمار ازجمله مسائلی است که می‌توان با پرداختن به آنها، اذهان بیدار و حقیقت‌طلب جهان را به خود جلب کرد.	بیدار کردن اذهان حقیقت‌طلب جهان
این بسیار مهم است که افکار عمومی دریابند که ج.ا.ا با وجود تمام مشکلات و تحریم‌های ظالمانه و یک‌سویه آمریکا که برخلاف روح برجام علیه ایران اعمال شده، همچنان به تعهدات خود عمل کرده و آغازگر این تصمیم نبوده است.	عمل به تعهدات

تحول راهبردهای عملیاتی تبیین و اطلاع‌رسانی درست در حوزه های محوری ۱- در حوزه صدا و سیما ۲- در حوزه خبر ۳- در حوزه استانها ۴- در حوزه برون مرزی ۵- در حوزه فضای مجازی بسیار مهم است	تبیین و اطلاع‌رسانی درست
بر این مساله که ج.ا.ا. علیرغم عهدشکنی آمریکا و کوتاهی اروپا، همچنان به تعهدات خود در برجام پایبند بوده است، تأکید شود.	پایبندی ایران به قواعد بین‌المللی
باید خویشتن‌داری ج.ا.ا. در مساله برجام و اجرای تمامی تعهدات و بدعهدی های آمریکا و راهبرد تازه ج.ا.ا. در قبال موافقت نامه برجام را به درستی در برنامه‌سازی‌ها با بهره‌گیری از کارشناسان اهل فن، شفاف‌سازی کنند.	شفاف‌سازی در افکار عمومی دنیا

پس از کدگذاری، محورهای مختلف صحبت‌ها و مصاحبه‌های افراد مختلف، اقدام به کدگذاری باز آنها شد. در مرحله بعد برای احصاء محورها و مولفه های مرتبط روش کدگذاری محوری را مدنظر قرار دادیم تا مولفه های مرتبط با شناخت شبکه های برون مرزی و نقش آنها در تحقق منافع ملی و دیپلماسی رسانه ای به دست آید. در ادامه این محورها ذکر شده است:

طبقه‌بندی مؤلفه‌های اصلی کارکرد شبکه های برون مرزی رسانه ملی در کدگذاری محور

مؤلفه‌ها	زیر محورها
فرهنگی - اجتماعی	انتقال ارزش‌ها و هنجارها
	فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی
	صلح‌طلب جلوه دادن ایران
	سفیران فرهنگی و ارتباطی
رسانه‌ای - سیاسی	متقاعدسازی اذهان جامعه بین‌الملل
	اقناع افکار عمومی
	مقابله با امپراتوری رسانه‌ای
	ختی‌سازی ایران‌هراسی و اسلام و شیعه‌هراسی
	نشان دادن پایبندی ایران به قواعد و مقررات بین‌المللی
	مطرح کردن بدعهدی آمریکا به‌قرار دادهای بین‌المللی

مقاومت رسانه‌ای	اقتصادی
تحقق مطلوب منافع و امنیت ملی	
قدرت بازدارندگی منطقه‌ای - جهانی	
جذب سرمایه‌گذاری خارجی	
نشان دادن ظرفیت‌های اقتصادی - تولیدی کشور	
تعاملات اقتصادی - پولی کشور	
خرید و فروش ارزی	
دیپلماسی اقتصادی	

با توجه به آنچه از مبانی نظری و مطالب گردآوری شده مصاحبه‌ها و... به دست آورده‌ایم مشخص شد که شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی می‌توانند در تحقق منافع ملی ج.ا.ا در دوران پسابرجام در زمینه‌ها و حوزه‌های مختلف نقش و جایگاه مهم و حیاتی داشته باشند. یکی از محورهایی که اخیراً در دستگاه دیپلماسی کشور به‌عنوان رویکرد خنثی‌ساز ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در سطح منطقه و جهان، مدنظر قرار گرفت، توافق نامه بین‌المللی همکاری مشترک موسوم به برجام بود. اما به‌رغم انعقاد این قرارداد، در رسانه‌ها و افکار عمومی دنیا و پایبندی ج.ا.ا به بن‌بند آن، با روی کارآمدن دولت جمهوری‌خواه ترامپ در آمریکا به یک‌باره ورق برگشت و به تحولات ماقبل از برجام منتهی شد. این امر سبب ملتهب شدن اوضاع و احوال منطقه و جهان و درخطر قرارگرفتن صلح و امنیت منطقه‌ای و جهانی شد. دراین چارچوب نقش و کارکرد شبکه‌های برون‌مرزی به‌عنوان صدای رسای ج.ا.ا برای نشان دادن حسن نیت ج.ا.ا، افشای اقدامات و دست‌های پشت پرده برخی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای و تبیین اقدامات برخی کشورهای معدود در سطح منطقه و جهان می‌تواند هم به آگاهی جمعی و معقول افکار عمومی جهان منجر شود و هم در خنثی کردن فشارها و انواع تحریم‌ها و کارشکنی جریان شکل‌گرفته در جهان علیه ج.ا.ا منجر شود. دراین چارچوب شبکه‌های برون‌مرزی در حوزه‌های فرهنگی - رسانه‌ای، سیاسی - امنیتی و اقتصادی - تجاری می‌توانند نقش مهم و کلیدی داشته باشند که می‌بایست دستگاه دیپلماسی کشور در حوزه‌ها و سطوح گوناگون از آنها استفاده بیشتری کند. این امر علاوه بر اجماع و همبستگی

داخلی در کاهش اثرات تحریم ها، باعث فروپاشی اجماع و وحدت جهانی و منطقه‌ای علیه سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی ج.ا.ا خواهد شد. برآیند و بازخورد چنین تحولاتی طبیعتاً تحقق مطلوب‌تر منافع ملی و چشم‌انداز اهداف والای انقلاب و کشور را در پی خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

امروزه رسانه‌ها از طریق دیپلماسی رسانه‌ای و با تولید گفتمان، جهت‌دهی و اقناع افکار عمومی، نقش موثری در حوزه سیاست خارجی و همچنین تحقق منافع ملی دارند. هدف جنگ شناختی یا نبرد شناختی، نسل پنجم جنگ‌ها در ادبیات سیاسی و نظامی رایج در دنیا است که سه هدف اصلی فروپاشی اجتماعی، فروپاشی ساختاری و فروپاشی سرزمینی، از طریق دو راهبرد اصلی بی‌ثبات‌سازی و نفوذ به صورت هدفمند، با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از فناوری‌های همگرا به ویژه رسانه‌ها را دنبال می‌کند. راه‌حل مقابله با جنگ شناختی در حوزه علوم اجتماعی و روان‌شناسی اجتماعی، آمادگی شناختی، توانمندسازی شناختی یا ارتقای شناختی شهروندان یک جامعه و کشور است که رهبری معظم انقلاب با تکیه بر ادبیات بومی و اسلامی از آن تحت عنوان «جهاد تبیین» یا «نهضت روشنگری» تعبیر نموده‌اند. با توجه به نظریه سازه‌انگاری، نحوه تفکر بازیگران به پدیده‌ها و موضوعات در روابط بین‌الملل بسیار مهم است. از منظر سازه‌انگاران، بازیگران بر اساس هنجارها تصمیم‌گیری می‌کنند و بر طبق عوامل ذهنی سیاستگذاری می‌کنند؛ سازه‌انگاران سه رویکرد از اقناع را مشخص کرده‌اند: اقناع افقی، اقناع عمودی و اقناع تکوینی. اقناع افقی که در سطح روابط بین‌المللی دولت‌هاست، به چگونگی اقناع نسبت به هنجارهای بین‌المللی توجه دارد - اقناع عمودی به فرایندهای فوق‌ملی تأثیرگذار همچون سازمان ملل متحد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بر درونی‌سازی هنجارها توجه دارد؛ و اقناع تکوینی، بر تکوین هویت در گفتگوی جمعی در مورد هنجارهای جامعه توجه دارد؛ بنابراین مسئولان سیاست خارجی شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی باید بتوانند به بهترین نحو ممکن از دیپلماسی رسانه‌ای برای دستیابی به منافع ملی و همچنین اقناع دیگران و تأثیرگذاری بر ذهن و تغییر نگرش دیگران، برای رسیدن به اهداف و منافع مادی و غیرمادی کشور در دوران پسابرجام استفاده کنند. امروزه و در جهان کنونی امنیت بیش از آنکه بر عوامل مادی قدرت متکی باشد، به میزان فهم و درک مشترک بازیگران از یکدیگر

بستگی دارد. بنا به تحلیل سازه انگارانه، آمریکا پس از خروجش از برجام و در دوران پسابرجام، بر اعمال تحریم های شدید اقتصادی علیه ج.ا.ا، به عنوان بُعد مادی ضربه زدن به ایران اقدام کرده است؛ آمریکا در بُعد رسانه ای و گفتمانی نیز در صدد تولید و تقویت گفتمان ایران هراسی و ایجاد مفهوم ایران عامل ناامنی و تهدید در منطقه و جهان در فضای بین‌الذلهانی جهانی بوده است؛ این اقدام آمریکا را می توان در راستای دیپلماسی رسانه ای و گفتمانی ضد ایرانی، مبتنی بر اینکه ایران مساله اصلی منطقه و جهان و عامل ناامن کننده جنگ طلب است تعبیر کرد. در ارتباط با تاثیر دیپلماسی رسانه ای بر تامین منافع ملی می توان چنین تحلیل کرد که شبکه های برون مرزی رسانه ملی می توانند در مقام کارگزار و نظام معنایی نظام بین الملل و سیاست خارجی در جایگاه ساختار، تاثیر متقابل بر روی یکدیگر داشته باشند؛ دیپلماسی رسانه ای از طریق تولید گفتمان، جهت دهی به افکار عمومی و اقناع سازی (دولت ملت ها)، در تامین منافع ملی می تواند ایفای نقش کند و در مقابل، سیاست خارجی، با مذاکره و چانه زنی، در راستای تحقق اهداف و منافع ملی بر دیپلماسی رسانه ای تاثیر گذار باشد. از این منظر شبکه های برون مرزی رسانه ملی، با توجه به نظریه اقناع افقی در دیپلماسی رسانه ای، در برنامه سازی ها به هنجارهای بین المللی در دوران پسابرجام توجه و دقت بیشتری کرده تا دیپلماسی رسانه ای کاراتر و اثربخش تری داشته باشند [این مهم که در پیوند بین قدرت سیاسی و قدرت رسانه ای رسانه ملی و در جهت تعمیق تعامل میان سه حوزه سیاست، فرهنگ و ارتباطات است و برجام را بیش از آنکه محصول زبان سخت سیاسی بداند، نتیجه زبان نرم گفتمانی و چگونگی ایجاد اشتراک معنا میان معنای داخلی و خارجی، و یک فهم جهانی در مورد آن از طریق شبکه های برون مرزی رسانه ملی در دوران پسابرجام در نظر می گیرد].

شبکه های برون مرزی رسانه ملی با توجه به نظریه اقناع عمودی در دیپلماسی رسانه ای، در برنامه سازی ها به نهادهای بین المللی همچون سازمان ملل متحد و آژانس بین المللی انرژی اتمی، بر درونی سازی هنجارها در دوران پسابرجام توجه و دقت بیشتری کرده تا دیپلماسی رسانه ای کاراتر و اثربخش تری داشته باشند [این مهم مسئله ضرورت تعامل و همگرایی عناصر گوناگون برون مرزی رسانه ملی همچون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی، امنیتی، دولتی و مردمی

در درون و بیرون از مرزها، با توجه به ساختار حاکم بر روابط بین الملل و نظام بین الملل در دوران پسابرجام را مطرح می سازد].

شبکه های برون مرزی رسانه ملی با توجه به نظریه اقتناع تکوینی در دیپلماسی رسانه ای، در برنامه سازی ها بر تکوین هویت ایران صلح طلب در گفتگوهای جمعی و هنجارهای جمعی جهانی در فضای بین الاذهانی جهانی در دوران پسابرجام توجه و دقت بیشتری کرده تا دیپلماسی رسانه ای کاراتر و اثربخش تری داشته باشند. [این مهم در مقابل مفهوم برساخته رسانه های غربی، عربی و به ویژه آمریکا از ایران به عنوان کشوری جنگ طلب و نا امن ساز در منطقه و جهان است].

اگر منافع ملی جمهوری اسلامی بر مبانی اقتناع افقی، عمودی و تکوینی تعریف شود، در صورت فهم دقیق مفهوم هویت صلح طلب نظام جمهوری اسلامی ایران، هیچگاه دوگانه ی منافع ملی و منافع ایدئولوژیک تولید نشده و حتی حداقل تزاومی محدود هم میان این دو به نظر نخواهد رسید و به تحقق منافع ملی خواهد انجامید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- اسمیت، استیو؛ هدفیلد، امیلیا و دان، تیم (۱۳۹۱). سیاست خارجی، نظریه‌ها، بازیگران، و موارد مطالعاتی (جلد دوم)، ترجمه: امیر محمد حاجی یوسفی، محسن محمودی، ایوب کریمی. تهران: سازمان سمت
- بشیر، حسن (۱۳۹۵). دیپلماسی گفتمانی؛ تعامل سیاست، فرهنگ و ارتباطات، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)
- خواجه سروری، غلامرضا (۱۳۸۶). تجربه رقابت سیاست خارجی و منافع ملی در جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات منافع جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی خرازی آذر، رها (۱۳۹۴). درک مفهوم دیپلماسی رسانه‌ای: رسانه‌ها به عنوان بازیگران نوین دیپلماتیک. علوم سیاسی،
- خرازی آذر، زهرا، احسانی، نرگس (۱۳۸۸). جریان شناسی جهانی رسانه‌های بزرگ، تهران، انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی
- دهقانی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۶). هویت و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. منافع جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات)، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رزمجو، علی اکبر؛ خسروی، افسانه؛ عنایتی شبکلائی و علی، احمد (۱۳۹۵). در آمدی بر دیپلماسی رسانه‌ای ایران مطالعه موردی صدا و سیما، تهران - انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- ساداتی، سید نصرالله (۱۳۹۳). دیپلماسی رسانه‌ای و نقش آن در روابط بین‌الملل، فصلنامه رسانه، معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). اقناع غایت ارتباطات، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سلطانفر، محمد (۱۳۸۹). دیپلماسی عمومی نوین و روابط عمومی الکترونیک، تهران: انتشارات سیما شرق.
- سلطانی فر، محمد؛ شهناز هاشمی و لیلا خانزاده (۱۳۹۱). نقش دیپلماسی رسانه‌ای در حفظ منافع ملی کشور. فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- سلیمانزاده، سعید؛ امیدی، علی و یزدانی، عنایت‌الله (۱۳۹۷). تحلیل سازه انگارانه ایران هراسی در سیاست خارجی آمریکا در دوران پساجام، پژوهش‌های راهبردی سیاست،
- سیمبر، رضا و احمد علی مقیمی (۱۳۹۵). دیپلماسی فرهنگی و منافع ملی، چاپ اول، نشر آکادمیک: تهران.

- علی بخشی، ابراهیم و بیات، محمد حسن (۱۳۸۷). مبانی نظری منافع ملی، چاپ اول، نشر اجا: تهران. قامت، جعفر (۱۳۹۴). منافع ملی و امنیت ملی، چاپ اول، نشر قومس: تهران.
- طاهریان، مریم (۱۳۸۹)، نقش رسانه های مختلف در انتخابات، مجموعه مقالات رسانه و مشارکت سیاسی، تهران پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مرکز تشخیص مصلحت نظام، چاپ اول.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۶). سازه‌انگاری، هویت، زبان، و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سیاست، کوبالکوا، وندولکا (۱۳۹۲). سیاست خارجی در جهان بر ساخته، ترجمه: مهدی میرمحمدی؛ علیرضا خسروی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کوورت، پال (۱۳۹۲). به سوی یک نظریه سازه‌انگاران از سیاست خارجی، چاپ اول، پژوهشکده مطالعات راهبردی: تهران.
- مهدی زاده، محمد (۱۳۸۹). نظریه های رسانه ای (اندیشه های رایج و دیدگاه های انتقادی)، تهران: همشهری.

- Carlsnaes, Walter. (1992) "The Agency-Structure Problem in Foreign Policy Analysis," *International Studies Quarterly*, 36: 245-70.
- Checkel Jeffrey (1997) 'International Norms and Domestic Politics: Bridging the Rationalist - Constructivist Divide' 3(4) *European Journal of International Relations*
- Checkel, Jeffrey, Jupille, Joseph and Caporaso, James (2003) "Integrating Institutions: Theory, Method, and the Study of the European Union" Special issue of *Comparative Political Studies*, v.36, nos. (February/March).
- Cohen, B. (1963) *The Press and Foreign Policy* (Princeton, New Jersey: Princeton University Press)
- Entman, R. (1991) 'Framing US Coverage of International News: Contrasts in Narratives of the KAL and Iran Air Incidents,' *Journal of Communication*, 41/4:6-27
- Gilboa, Eytan. (2002). Television News and U.S. Foreign Policy: Constraints of Real-Time Coverage. *The International Journal of Press/Politics*, Fall.
- Iyengar, S. and Kinder, D. R. (1987) *News That Matters: Television and American Public Opinion* Chicago: University of Chicago Press
- Haidar, J. I. (2015). *Sanctions and Exports Deflection: Evidence from Iran*. Paris, School of Economics, University of Paris.

- Hopf, Ted (1998) "The Promise of Constructivism in International Relations Theory." *International Security* 23, 1 (reprinted in Linklater, ed., 2000).
- Howard, Peter,(2007) "The Language of International Socialization" Paper presented to the Minnesota International Relations Colloquium, October 1, in: http://citation.allacademic.com/meta/p_mla_apa_research_citation/0/7/3/0/9/pages73099/p73099-1.php .
- Koh, Harold Hongju, (۱۹۹۹) "How is International Human Rights Law Enforced?" *Indiana Law Journal*, Fall 1999, Vol. 74, pp. 1397-1417.
- Koh, Harold, (2005) "Internalization through socialization" *Duke Law Journal*, February .
- MC combs , M.E and Shaw d.l (1972) the Agenda setting Function of the press, public opinion a quarterly, 36:176-187
- Mearsheimer, John, (2001), *The Tragedy of Great Power Politics* (1st ed.), New York: W. W. Norton & Company.
- Onuf, Nicholas (1989) *World of Our Making: Rules and Rule in Social Theory and International Relations*. Columbia, SC: University of South Carolina Press.
- Onuf, Nicholas and Frank Klink (1989) "Anarchy, Authority, Rule." *International Studies Quarterly* 33: 149-73.
- Onuf, Nicholas, (1997), "Constructivist Manifesto", In K. Burch & R. Onuf, Nicholas (2002) "The Worlds of Our Making." In Donald J. Puchala, ed., *Visions of International Relations*. Columbia: University of South Carolina Press.
- Paul, C. et al (2018), "Lessons from Others for Future US Army Operations in and Through the Information Environment: Case Studies", Rand Corporation, available at https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR1925z2.html
- Ringmar, Erik (1997) *Alexander Wendt: A Social Scientist Struggling With History* , in Iver B. Neumann & Ole Waever , *The Future of international Relations*, London: Routledge
- Simmons Beth (1998). "Compliance with International Agreements", *The Annual Review of Political Science*, Vol. 1, No4. in: www.wcfia.harvard.edu/sites/default/files/991_ComplianceIntlAgreements.pdf

- Siegfried Schieder and Manuela Spindler, (2014), *Theories of International Relations*, United Kingdom: Routledge.
- Tadros, Samuel (2017), "Countering Iran Requires a Political Strategy", available at: <https://www.hoover.org/research/countering-iran-requires-political-strategy>
- Vatanka, Alex (2015), "The Authoritarian Resurgence: Iran Abroad", *Journal of Democracy*, Volume 26, Issue 2, April, pp.61-70
- Wendt, A. (1987) "Agent-Structure Problem in International Relations Theory," *International Organization*. 41-3 (Summer):335-70. Reprinted in Andrew Linklater, ed. (2000) *Key Concepts in Political Science: International Relations*. London and New York: Routledge.

